

آخرین تحلیل از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی

آخرین تحلیل از جنگ ایران و رژیم صهیونیستی

پرستو مروجی

در حال حاضر زمانِ رویارویی مردم جهان با واقعیتی است که سالهاست غربی ها سعی در سانسور کردن آن را در فضای سایبری دارند اولین مسئله دقیقا همین نکته ست *تغییر باورهای غلط به سمت باورهای درست*

این جنگ را ما شروع نکردیم هر چند از نظر حقیر ایران وارد جنگ اصلی و استراتژیک نشده جنگ واقعی زمانی شروع میشه که *تنگه هرمز بسته بشه یعنی عملا ۲۰ درصد عرضه نفت جهان متوقف خواهد شد و عواقبش برای غرب بسیار سنگین تر از جنگ تمام عیار چندین میلیون دلاری ست.

آنها وابسته نفتی یند و در طی این عمل استراتژیک، یک زنجیره بزرگ تهدید خواهد شد... و آن زنجیره ی حیات انسانی ست. در صورت ادامه جنگ و حمایت های ایالات متحده دولت ترامپ دچار ورشکستگی نظامی خواهد شد در این شرایط هست که متوجه میشویم چرا دولت مزبور زبون کوچک رو درآورده و دستش را به خواب قالی می کشد و در آخر عرض کنم بزرگترین خطا این هست که جنگ را به خلیج همیشه فارس بکشانند در اون صورت هم از دریا خواهند خورد و هم از هوا تاریخ ثابت کرده که آمریکا هم پیمان خوبی نیست یعنی رفیقِ روزای تنگ نیست شک نکنید اگر منافعش تامین نشود جوری رژیم صهیونیستی را می فروشد و جوری ماله کشی می کند که خودش را حامی کودکان غزه معرفی می کند طوری که تاریخ را مثلا بتواند به نفع خودشان شرمنده کنند مثل سرنوشت صدام و...

مهمترین پایگاه هوایی اسرائیل

کجاست؟ اگر اونجا رو بزنی چی میشه؟

[نمایش ویدیو](#)

معین Z یا معین این و ر آبی _ اون و ر آبی

معین Z یا معین این و ر آبی _ اون و ر آبی

عبور از فیلتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اخذ مجوز برای خوانندگان راهی سخت و دشوار بنظر میرسد زیرا این مجوز به معنی معرفی "الگوی جدید" در جامعه اسلامی خواهد بود.

این مجوز خطوطی را خط کشی خواهد کرد که قرار است در جریان هویت یابی به قشری از بدنه ی جامعه تغذیه ی فکری، پوششی، انگیزشی، عاطفی، فرهنگی، شأن و منزلت ... برساند یا به عبارت بهتر سبدِ الگوی مصرف فرهنگی جامعه خواهد بود و میبایست امضای محکمِ سندِ سلامتِ هویت ایرانی-اسلامی باشد و همچنین تفکیک و شناسایی کند حد و حدود الگوها و ضد الگوها را

شایسته است مد نظر داشته باشیم تهاجم فرهنگی از درون جامعه آغاز میشود و شکل و شمایل مصرف کنندگان را تغییر میدهد، مگر الگو پذیری؛ فرایند پیروی از یک مدل عینی و راهنمای عمل در رفتار و کردار نیست... یا این تعریف تغییر کرده است یا مد نظر مسوولین نیست آیا مسوولین ذی ربط نمیدانند با این مجوز "پل عاطفی" عمیقی بین خوانندگان و هواداران شان ایجاد میشود و هر آنچه را که خواننده انجام دهد بازتابی در جامعه خواهد داشت.

استوری نیم ساعته یک خواننده همان طور که میلیون ها تومن پول جمع میکند همانطور هم بستر ناآرامی و ... را نیز فراهم خواهد کرد.

این مقاله به منظور تایید خواننده خاصی نیست اما نیاز به یک مقایسه میدانی میتواند کمک کننده باشد.

معین زد خواننده پاپ نسل جوان با تیپ و استایلی جنجالی در کانادا رو استیج می‌رود. البته لازم به ذکر نیست که مجوز رسمی از وزارتخانه مربوطه دارد و مروج تمام کمال ضد الگوها و تهاجم فرهنگی میشود در حالیکه معین خواننده بقول معروف "اون و ر آبی" که زندگی بی حاشیه ی هنری و شخصی دارد همیشه با استایلی مردانه و رسمی و موجه ظاهر شده است میشود مصداق ضد فرهنگ و با برچسب اون ور آبی مجوز برگزاری کنسرت داخلی ندارد.

علی ایحال در هر دو مورد مثالی مسوولین فرهنگی ما پاسخ مناسبی به هوادارن نمیدهند.

و در آخر شما کدام "معین" را برای الگو پذیری فرزندتان مناسب میبینید؟

پرستو مروجی

انتخابات ریاست جمهوری مخبر

با فروکش کردن فضای احساسی، فضای سیاسی ایران چگونه پیش خواهد رفت؟

کشور بطور ناگهانی با شهادت رئیس جمهور رئیسی با جو انتخاباتی مواجه شد هر چند ایران بی تجربه در این زمینه نیست در سال ۶۰ زمانیکه بنی صدر از ریاست جمهوری عزل شد، نخست وزیر وقت شهید رجایی در انتخابات پیروز میدان شد و اکنون آقای مخبر جانشین قانونی رئیس جمهور است.

اگر #مخبر وارد میدان رقابت شود ۲ حالت سخت افزاری ایجاد میشود هم باید رقابت کند و هم به امور اجرایی کشور در زمینه انتخابات رسیدگی کند .

در انتخابات مهمترین وظیفه او ؛ ایجاد همبستگی دولت فعلی و تلاش برای انتخاب یک شخص اصلح از قلب کابینه بعنوان کاندیدای مورد حمایت دولت سیزدهم است.

مخبر چه خواهد کرد؟

آیا نقش کاتالیزور را بازی خواهد کرد تا جریانی که از دولت سیزدهم جاری شده است را رهبری و مدیریت کند ؟ یا شخصا پا به عرصه

ی رقابت می‌گذارد و تمامی توان دولت ۱۳ هم را برای حمایت از خودش
خود نوعی_ صرف خواهد کرد؟ (توضیح: حمایت از خودش به معنای
خودخواهی و رسیدن به قدرت نیست به معنای وفاق و وحدت در کابینه ی
رئیی است ...)

بنظر بنده اگر مخبر شخصی توانمند و اثرگذار باشد می‌بایست این
توانمندی مدیریتی خود را قبل از ورود به انتخابات نشان دهد تا
برای رسیدن به آراء تمام کننده ، کابینه را سر و سامان دهد تا با
رسیدن به اجماع کلی از یک شخصیت حمایت کنند خواه مخبر باشد یا
نباشد ... مهم وفاق و وحدت کلی دولت ۱۳ هم است.

اگر به چنین نتیجه ای نرسند آراء خرد خواهد شد و جریان دولت ۱۳
هم بی اثر به پایان خواهد رسید.

*هرچند آقای مخبر را به این دلیل که معاون اول رئیس جمهور بودند
بعنوان نماینده محور اصلی قلمداد کردیم.

پرستو مروجی

برنامه ی پروژه نویسان برانداز- فردای پیروزی خیالی

اپوزسیون و براندازی در جمهوری اسلامی را نمیشود در حد و اندازه
یک "ژست انقلابی" تعریف کرد زیرا نمیشود هیچ رابطه ی معنا داری
بین رفتارهایشان و ساختارهای واقعی موجود در جامعه پیدا کرد.
برای ایجاد یک بستر_ انقلابی ادواتی لازم و شرط است که در جهت
تضعیف ساختار های یک حکومت پیش رود. هر اقدامی نیازمند ریل گذاری
های اولیه است تا در قامت اعتراض و بعد شورش و در نهایت منجر به
پیروزی نهایی شود.

کدام انقلاب در جهان با اذهان متوهم و آلوده به انواع فسادهای
اخلاقی و... به نتیجه رسیده است که براندازان جمهوری اسلامی با عریان
کردن اندام های خصوصی شان در فکر نتیجه گرفتن هستند.

بطور کلی نگاهی به اعتراف دستگیر شدگان بیاندارید، هیچ کدامشان
حتی وجود_ دفاع از رفتار خودشان را ندارند و خود را "فریب خورده

، هیجانی " آنهم در فضای مجازی معرفی میکنند.

رفتارشان فقط و فقط کارکرد رسانه ای دارد که خروجی آن چیزی جز تیتراهای زرد و دهن پر کن غرب نیست.

در بدترین حالت ممکن در حوزه سیاست و علوم سیاسی حتی نمیشود اینها را "نهضت /جنبش" خواند چرا که هر نهضتی احتمال منتهی شدن به انقلاب را دارد. نهضت ها، پلتفرم و قوانینی دارد که *اندام نمایی* و ... در آن جایگاهی ندارد.

چه دلایلی میتوان تعریف کرد که اپوزسیون هایی مثل؛ منافقین ، سلطنت طلبان، تجزیه طلبان، ... رهبر واحدی ندارند؟

گروهک هایی که از عهده ی مدیریت انسانی ، جریان فکری ، منابع مالی ... خودشان عاجزند و کارکردی جز تولید رفتار های تخریب گرانه ی مجازی و قتل و غارت ندارند ، چطور میخواهند جریان براندازی شان را سازماندهی کنند!

مهم واقعت ذاتی آنهاست که ناتوان از اداره امورات تشکیلاتی خود هستند.

بیا بید فرض محال بگیریم براندازی آنها نتیجه داد ! فردای پیروزی آنها چه رنگی است؟

بنظر حقیر در صورت رخ دادن این مسئله ، رنگ فردای پیروزی شان ، سرخ برنگ خونهای خودشان است چرا که آمریکا و جیره خوارانش محال است برای این فردای خیالی ، جایگاهی جز قبرستان برایشان تعریف کرده باشند...

بدنه ی جامعه بدون آسیب باید بماند تا بازوهای کارگری ، استعمارگران باشند و این جامعه دیگر نیازی به مسیح علینژاد ، مریم رجوی ، کومله ، داعش و ... ندارد.

این دقیقا برنامه اصلی پروژه نویسان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

حذف فیزیکی هر شخص و جماعتی که با آنها طی این چهل سال ارتباط داشتند تا دستهای پنهان همچنان پنهان بماند.

پرستو مروجی

زندانیان اوین

ماجرای زندانیان اوین بدون تردید یکی از پازل های طراحی شده اتاق فکر عاملان این اغتشاشات بود.

چرا اوین یکی از لوکیشن های این پازل بود؟
بدلیل نگهداری زندانیان سیاسی و بند امنیتی که خوراک عالی برای رسانه های غربی و براندازن است.^۱

بی شک بستر سازی این سناریو از قبل کلید خورده بود و تیتراژ شبکه های اجتماعی اینچنین بود که : بسیاری از بازداشت شدگان را به اوین منتقل کردند..

آمادگی کامل برای موج خبری داشتند تا تیتراژ دوم را ترند کنند : حذف برخی زندانیان سیاسی توسط نظام

آماده و مسلح طبق روایات متعدد که البته روز قبل هم محسن هاشمی نورددیده ی مرحوم هاشمی و خانم عفت مرعشی به مرخصی رفت و نشون داد جاسوس دو جانبه هم از توبره خورده هم از آخور و همه چیز مهای ترور نافرجام و شانتاژ خبری^۲

دشمن همون دشمن با همون و برنامه و سناریو که از اجرای آن دست بردار هم نیست.

رفتار و اعمالشان هرگز در پیچ های تاریخ سرزمینم گم نخواهد شد ، جنایاتی که بدون در نظر گرفتن هیچ اخلاق و اصول انسانی در حق مردم ایران انجام دادند.

سال ۱۳۶۰ دقیقا این عملیات را در اوین پیاده کردند
و اما ماجرا چیست؟

۸ تیر ۶۰ یعنی ۱ روز بعد از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی توسط گروهک تروریستی مجاهدین خلق با برنامه قبلی توسط کاظم افچه ای و برخی رابطین منافقین در زندانیان اوین و محمد رضا سعادت شیرازی اقدام به ترور اعضای هیئت دادستانی آیت الله محمدی گیلانی و سید اسدالله لاجوردی میکنند... که با اقدام به موقع شهید کجویی_رئیس زندانیان وقت اوین_ پروژه ناکام می ماند و ایشان به شهادت رسیدند. از اوایل انقلاب اسلامی از اهمیت زندانیان اوین تا به امروز کاسته نشده است زیرا بستر مناسبی برای دامن زدن به هر ناامنی و هرج و مرج است.

تاریخ تکرار میشود...

۱) بند ۷ اوین بنام اندرزگاه ۷ بند ارازل و اوباش میباشد
و با بند ۸ که بند مخصوص زندانیان سیاسی است حدود ۲۰ متر فاصله
دارد
پشت ساختمان اندرزگاه ۷ ، بند امنیتی ۲۴۰ است.

۲) رجوع شود به مقاله "پروژه زندان اوین"

مدارس؛ خانه دوم - چرایی رفتارشناسی دانش آموزان در اغتصابات ۱۴۰۱

همسر مهربان، [۰۷.۱۰.۲۲ ۱۲:۵۵]

مدارس، خانه دوم ...

پرستو مروجی

دو رویداد مهم تاریخی ، در جهان اسلام محل اندیشه و عبرت است.
هر دو پروژه ای سنگین که برای اجرایی شدن زمان طولانی و با برنامه
مستمر صورت گرفت.

یک : پروژه آندلس که بنده آنرا اینطور تعریف می کنم ؛

اسلام یعنی آغاز "تمدن سازی"

و هر جا تمدن اسلامی در حال شکل گیری بود و هست غرب برنامه مدون و
ابزاری از پیش تعیین شده داشت و دارد که مهمترین آن "تهاجم
فرهنگی" و رخنه در تار و پود جامعه مسلمانان بود و هست .
شهید مطهری عامل سقوط آندلس را (فساد ، تباهی فکری ، شهوت ، ...)
میدانستند پس میشود گفت: یک رشته عوامل فساد درونی و از هم
گسیختگی فرهنگی زمینه های سقوط یک تمدن را ایجاد می کند. که دو
حالت بیشتر ندارد یا با زور و جنگ مثل آندلس و نیجریه یا جنگ نرم
و بی سر و صدا مثل امارات متحده عربی که بدون جنگ و خونریزی
آندلسیزه شد.

ایران هم بعد از انقلاب اسلامی در دستور کار غرب قرار گرفت.

□ دو : اسلام ترکیه ای که نیاز به توضیح آنچنانی ندارد . برنامه ای که غرب برای ایران و ترکیه چیده بود عادی سازی در همه ابعاد جامعه، که مصداق امروزی آن ؛ دلت پاک باشه خدا به نماز ما احتیاج نداره ...

برنامه اسلام ایرانی و ترکیه ای که رضا خان ناتوان در اجرائش شد اما آتاتورک موفق عمل کرد.

اینها مقدماتی بود برای اصل مقاله تا بگویم : دانش آموزان بخصوص در دهه اخیر در دستور کار آندلسیزه کردن ایران قرار گرفته اند. با اجرای سند بیست سی ۲۰۳۰ شاهد تخریب ریزساخت های فرهنگی در قشر نوجوانان بودیم...

ورود آهنگ های ساسی مانکن و خوندن گروهی (آقامون جنتلمنه...) و برخورد شدید رسانه های غربی با سلام فرمانده

نوجوانانی که بخاطر شرایط سنی شون شناختی از خودشون و جامعه ندارند را وارد بازی کثیف سیاست کرده اند و با پمپاژ هیجان و احساسات کاذب زندگی آنها را به خودکشی فحشا ناهنجاری می کشانند. این بچه ها محصول والدینی هستند که ده سال قبل تحت عملیات روانی رسانه ای دچار وازدگی مذهبی شده اند و نظارت غیر مستقیم و کنار بچه هاشون بودن و گرم کردن کانون خانواده را جایگزین قلیان کشیدن و سگ بازی و عضو گروه های تلگرامی... کردند

و در نهایت وزیر آموزش و پرورش میبایست دست بجمباند و با تصویب قوانین ایجابی و سلبی برای مدارس ، قطع ید کند تا دشمنان کمتر با روح و روان و زندگی این دلبندان پاک سرشت سرزمین مان بازی کنند.

محا کمه تاجزاده

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/07/film02.mp4>

ارتش سایبری منافقین

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/07/film-01.mp4>

قانون سقط جنین در آمریکا

تن من / حق من

#پرستو_مروجی

دیوان عالی آمریکا بعد از پنجاه سال قانون ممنوعیت سقط جنین را لغو کرد و وضعیت را به قبل بازگرداند. طوری که دولت آمریکا با اعتراضات گسترده ای مواجه شده است. چند دستگی و منسجم نبودن گروه های شرکت کننده در تظاهرات مانعی اساسی در تصمیمات خیابانی است. کاتولیک ها که سالهاست از فعالان ضد سقط جنین هستند با نگاهی دینی و رحمانی از این قانون حمایت میکنند. حامیان حقوق کودک هم جانی تازه گرفته و از کیان انسان هایی که از حق حیات محروم میشوند دفاع میکنند.

بنظر میرسد مابقی تماما مخالفانی هستند که تظاهرات خیابانی را پوشش میدهند. در جامعه ای مثل آمریکا هر دو گروه ، منفعت طلبانی اند که از هر گونه اعتراض سود میجویند. اما معترضین حقیقی چه کسانی اند؟ عموماً زنان سیاه پوست که جز قشر ضعیف و بی پناه جامعه تعریف میشوند که به سقط جنین ناچارند این گروه تنها واقعیت تظاهرات خیابانی هستند که تنها قربانیان تجاوز ، رابطه غیر متعارف ، خارج از چارچوب میباشند ، اینها در کنار بزرگترین قاچاق چیان جنسی قرار گرفته اند تا از قلدری و زور آنها ، چیزی نصیبشان شود.

تصویب قانون سقط جنین را از دو منظر بررسی میکنم ؛ یک ؛ گروه عوام که نگران جیب و روابط شخصی شان هستند که

کارشناسان جامعه شناسی آمریکایی پیش بینی کرده اند در آینده ممکن است قوانین بر علیه « دگرباشان» جنسی تصویب شود . و نگرانی حامیان « حق انتخاب » آنها را به کف خیابان ها کشانده است. دو ؛ این قانون صرفا یک تصمیم سیاسی است نه در چارچوب مسائل حقوقی

دعواهای سیاسی بین دو جناح دموکرات ها که نتیجه انتخابات به نفع آنها رقم خورد و « بایدن» خسته از سیاست را بر روی کرسی ریاست اجبارا نشانند.

و جناح جمهوری خواه که برگ برنده آنها ، «ترامپ» شکست خورده است. اکنون جامعه آمریکا عملا دچار گروگانگیری حزبی است همه این تظاهرات ، سر و صداها ، تنش های خیابانی.. پوسته پاهری است که توسط جمهوری خواهان راه افتاد تا با شانتاژ کردن مردم عامی با شعار « تن من / حق من » دموکرات ها را عقیم کنند.

در حوزه سیاست ، حذف رقیب تازگی ندارد و تنها قربانیان اصلی مردمی هستند که ناخواسته وارد دعواهای سیاسی میشوند ، بی مزد و توقع پادوهای کله گندها میشوند اما سودی عایدشان نمیشود هیچ ... مجرم هم شناخته می شوند ...